

بیکاری، تورم و بی‌پولی متهمان ردیف اول هستند؛

# اصولا مردم شادی نیستیم

شادی نیازمند یک علت کوچک است و آن علت چیزی جز کیفیت زندگی نمی‌تواند باشد. اگر شرایط اجتماعی به مردم امکان تأمین یک سرپناه و قدم نهادن در آینده‌ای روشن را بدهد، آن‌گاه شادی میان مردم رواج پیدا می‌کند اما در شرایطی که یک عده بدون این که کار کنند از تمامی امکانات زندگی برخوردارند و در مقابل عده‌ای با انجام کار چند شیفته، فقط به شرایط «آستانه بقا» دست پیدا می‌کنند، هرگز نمی‌توان نشانی شادی در جامعه دید.



آذر فخری، روزنامه‌نگار

تا همین چند سال پیش، علی‌رغم گرفتاری‌ها و سفت‌وسخت‌گیری‌ها، هنوز می‌شد هر از گاهی صدای خنده و شادی و پایکوبی همسایه‌ها را شنید؛ حالا با یک مهمانی معمولی بود که اهل فامیل دور هم جمع شده بودند و با جشن تولدی و یا جشن فارغ‌التحصیلی و یا هر چیز دیگری، هر چیزی که می‌شد آن را بهانه‌ای کرد برای شادی و خنده و هیاهویی که تا نیمه شب، خواب از چشم همسایه‌ها می‌ربود.

حالا مدت‌هاست از این هیاهوهای سرخوشانه و خنده‌هایی که به آسمان می‌رفت، خبری نیست، حتی گاهی صدای باز بسته شدن در خانه‌ها را هم نمی‌شنویم و خیلی کم با همسایه‌ها در درومی شویم. مردم در سکوت می‌آیند و می‌روند. مردم به شکل درناکی ساکت شده‌اند و در خود فرو رفته.

دوره‌های فامیلی اگر نگوییم قطع شده‌اند، اما می‌شود گفت خیلی کم شده‌اند. آن‌هایی هم که دور هم جمع می‌شوند جز بحث و صحبت درباره گرانی و ناامنی شغلی و بی‌سرو و همسر ماندن فرزندان شان، حرفی برای گفتن ندارند؛ دغدغه‌ای که مثل خوره به جان اغلب مردم افتاده است. و تازه این، داستان

آنانی است که هنوز بر سر شغلی هستند و خانه و زندگی از پیش آماده‌ی دارند. آن‌هایی که ناگهان به زیر خط فقر سقوط کرده‌اند، بیکار شده‌اند، بی‌خانمان شده‌اند، در بهترین حالت به شهر و دیار و روستای پدری خود بازگشته‌اند تا شاید آن‌جا در خانه پدری پناهی بچینند، وای بسا که بسیاری توان و مکان این بازگشت را هم ندارند.

مردم هر جا که می‌رسند و در هر شرایطی که قرار می‌گیرند با اندکی فشار، صدای شان در می‌آید و با خوشی غیر قابل کنترل بر هم می‌توبند. اگر هم سکوت کنند، تلخی حضور ساکت‌شان، فضا را آلوده کرده است. چینی است که، فرقی نمی‌کند این مردم را اول صبح ببینی یا وقت برگشتن از سر کار، در هر حال با سنگینی گام برمی‌دارند؛ انگار که چیزی دارد از درون آن‌ها را می‌خورد. همان‌طور که راه پیدا کرده، مشکلات ناشی از کمبود شادی در جامعه هم راه‌شان را به درون تک‌تک خانه‌ها پیدا کرده‌اند. اما ماجرا فقط این نیست که ما شادی کم داریم؛ مسئله این است که به شکل مزمن دچار افسردگی و بی‌حالی شده‌ایم.

**ترمیم‌نشدن ساییدگی‌های سیستم‌عصبی!**  
هر چند عواملی مانند ژنتیک و استرس را مهم‌ترین عوامل بروز

**جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، انتظارات مردمش را بر آورده نمی‌کند: نبود شغلی که با انتظارات فرد همخوانی داشته باشد یا نبود امکاناتی که انتظارات او از آینده را بر آورده کند به ناکامی می‌انجامد و موجب افسردگی گروه بزرگی از مردم می‌شود**

در آینده‌ای روشن را بدهد، آن‌گاه شادی میان مردم رواج پیدا می‌کند اما در شرایطی که یک عده بدون این که کار کنند از تمامی امکانات زندگی برخوردارند و در مقابل عده‌ای با انجام کار چند شیفته، فقط به شرایط «آستانه بقا» دست پیدا می‌کنند، هرگز نمی‌توان نشانی شادی در جامعه دید.

**تیر خلاص آمارها!**  
در سال ۹۶ وزیر بهداشت وقتی اعلام کرد ۲۶ درصد از جمعیت کشور افسردگی تیر خلاص را بر همه خوش‌باوری‌ها و خوش‌بینی‌های بی‌اساس موجود در جامعه شلیک کرد. حالا دیگر نمی‌شود کار اسر سری گرفت، افسردگی از جمله اختلالات خلقی است که ادامه زندگی روزمره

را از بیمار سلب می‌کند و معمولاً با عدم اعتماد به نفس و بی‌علاقگی به انجام فعالیت‌های نه فقط لذت‌بخش که حتی کارهای روزانه، همراه است. ما در حال حاضر در جامعه‌مان با فقر شادی روبه‌رو هستیم یا می‌توان گفت هیجان‌های سرگردان و بی‌صاحب در جامعه داریم. نکته این است که این نوع هیجان‌ها حتماً باید معطوف به فعالیت و زندگی باشند و در صورتی که این هیجان‌ها آسیب ببینند فرد دچار صدمه خواهد شد. صحبت بر سر این نیست که در خیابان‌ها بزنبم و برقصیم اما باید خبرهای مثبت و شادی‌آور نیز در جامعه داشته باشیم تا امید در ذهن مردم جوانه بزند. با وجود افزایش فاصله طبقاتی تشدید شده در این چند سال و به‌خصوص یک سال اخیر، باید گفت شادی به درستی تقسیم نشده‌ای در جامعه و جود دارد که در واقع اندوه بزرگ شده است.

**جامعه خوب‌ها و بدها افسرده‌است**

جامعه امروز ما بسدل به جامعه‌ای به شدت ارزشی شده‌است و دو قطبی شدن جامعه به خوب و بد باعث شده مردم به خوب‌ها و بدها تقسیم شوند که این خودسر منجر به افزایش برچسب‌ها و شیوع افسردگی است. مهدی موسوی فر روان‌شناس با تأکید بر دو قطبی شدن ارزش‌های اجتماعی این‌گونه توضیح می‌دهد: «پذیرفتن تفاوت و تفکیک میان مردم به دلیل گذار جامعه از سنت به مدرنیته هنوز جایی در میان ما پیدا نکرده‌است. در این میان، افرادی که می‌خواهند خلاق و آرزودارندگی کنند ممکن است نتوانند این پارادوکس را رعایت کنند و در نتیجه از طریق اعتیاد، خیانت و سایر آسیب‌ها خودشان را راه می‌کنند. اتفاقی که در نسل جدید پیش‌تر شاهد آن هستیم.»

مسلمی فر درباره دلیل دیگر افزایش افسردگی در جامعه ایران می‌گوید: «همچنین در جامعه ایران هزینه به‌دست آوردن خواسته‌ها بالاست، چون زیرساخت مناسب آن وجود ندارد و در نتیجه به‌خاطر این هزینه‌ها افراد از علائق و خواسته‌های شان می‌گذرند که این خود عامل دیگری در ایجاد افسردگی است. معنای زندگی با هزینه‌های بالا در جامعه ایرانی تأمین می‌شود و یک فرد اگر بخواهد کار خوبی داشته باشد نمی‌تواند خودش باشد.»

**ایرانیان بی‌حوصله‌اند سسسی نه افسرده**  
اما برخی از جامعه‌شناسان معتقدند: «در ایران نیز مانند بسیاری دیگر از نقاط دنیا ۹۰ درصد افرادی که به روان‌پزشک مراجعه می‌کنند راه را

**همان‌طور که در این چند سال سیل وزلزله به خانه‌ها راه پیدا کرده، مشکلات ناشی از کمبود شادی در جامعه هم راه‌شان را به درون تک‌تک خانه‌ها پیدا کرده‌اند. اما ماجرا فقط این نیست که ما شادی کم داریم؛ مسئله این است که به شکل مزمنی دچار افسردگی و بی‌حالی شده‌ایم**

اشتباه‌رفته‌اند.»

دکتر مصطفی اقلیماست که چنین می‌گوید: «بیماری مردم ایران بر خلاف آن چه شایع شده افسردگی نیست. مردم ایران دچار بی‌هدفی، ناامیدی و بی‌حوصلگی شده‌اند. بیماری باید ریشه از گاتیک داشته باشد در حالی که مردم ما عموماً دچار چنین مشکلی نیستند. آن‌چه ایرانیان را به رخوت کشانده و آن‌ها را به ظاهر افسرده می‌کند، مسائل مختلفی است، مسائلی که ریشه از گاتیک یا شخصی ندارد بلکه ناشی از شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و خانوادگی است.»

این جامعه‌شناس معتقد است که: «اگر دختر جوانی شب‌ها دچار بی‌خوابی می‌شود به علت بیماری‌های عصبی نیست بلکه به دلیل بیکاری و بی‌هدفی در زندگی است. امکان اشتغال کم است. امکان ادامه تحصیل محدود است. محدودیت‌های عرفی و خانوادگی مانع از فعالیت‌های بسیاری می‌شوند. تفریحات زیادی برای او وجود ندارد و او مجبور است تمام روز خود را تنها سپری کند بدون آن که هدف خاصی برای زندگی‌اش یا آمیدی به آینده داشته باشد. جوانان دیگرمان نیز کم و بیش با همین مشکلات مواجهند. یا بیکارند یا شغل‌شان را بر اساس توانایی‌ها، استعدادها و علائق‌شان انتخاب نکرده‌اند و در آمدشان کفاف متخارج‌شان را نمی‌کند.»

از سخنان اقلیما چنین برداشت می‌شود که تحت چنین شرایطی کاملاً طبیعی است اگر افراد دچار مشکل شوند و به روان‌پزشک مراجعه کنند. اما اقلیما معتقد است: «یک روان‌پزشک برای یافتن علت مشکلات پیش‌آمده برای این افراد مگر چند روز زمان می‌گذارد؟ او بعد از چند دقیقه حرف‌زدن با مراجعش به این نتیجه می‌رسد که او دچار افسردگی است و با تجویز قرص‌های اعصاب و آرام‌بخش به سراغ مراجعه‌کننده بعدی می‌رود.

**از گوشه و کنار**

**مدیر کل امور دارو وزارت بهداشت: محدودیت‌های بانکی عملا دارو را هم تحریم کرده‌است**



مدیر کل امور دارو و مواد تحت کنترل سازمان غذا و دارو گفت: تحریم نشدن دارو سخنی زیبا اما دروغ است زیرا برای تأمین دارو به فرآیندهای بانکی نیاز است؛ همه بانک‌های ایرانی هم تحت فهرست تحریم‌ها قرار گرفته‌اند و بنابراین عملاً دارو و غذائیز مشمول تحریم است. محمدعبده‌زاده افزود: اینکه همه بانک‌های ایرانی تحت فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند، تأمین غذا و دارو را تحت تأثیر قرار داده است بنابراین لازم است که بانک‌های خاصی برای تأمین دارو مشخص شوند. وی اضافه کرد: مشخص شدن بانک‌های خاصی در ایران برای تأمین دارو یک طرف قضیه است و لازم است بانک‌هایی در اروپا، کره جنوبی، ژاپن، ترکیه و تمام کشورهای که با آنها معاملات دارویی داریم، از تحریم آزاد شوند تا پولی را که از ایران حواله می‌شود را بپذیرند و به شرکت‌های دارویی انتقال دهند. وی ابراز امیدواری کرد که به زودی فهرست بانک‌های ایرانی که از تحریم خارج می‌شوند، اعلام شود تا کار تأمین دارو بدون مشکل انجام شود. مدیر کل امور دارو و مواد تحت کنترل سازمان غذا و دارو تأکید کرد: هنگامی که گفته می‌شود «دارو تحریم نیست» به آن معنا است که راه‌ها برای تأمین دارو باز باشد و بنابراین این گفته دروغ محض است.

**یک مسئول در ناخبر داد: راه اندازی سامانه کنترل هوشمند گشت‌های نیروی انتظامی**

جانشین رئیس پلیس پیشگیری نیروی انتظامی گفت: سامانه کنترل هوشمند گشت‌های ناچا با هدف نظارت بر عملکرد گشت‌های پلیس و کنترل وضعیت وسایل نقلیه راه‌اندازی شد. سردار حمید عطایی در گفت و گو با ایرنا افزود: ارتقای توانمندی پلیس و اشاعه و ترویج فرهنگ استفاده از روش‌های مدرن و استاندارد در ماموریت‌ها، نمایش بر خط و غیر خط موقعیت جغرافیایی متحرک‌ها، اعزام خودرو و موتورسیکلت از اهداف راه‌اندازی این سامانه است. وی گفت: گزارش‌گیری از سوابق حرکت متحرک‌ها، نقشه جغرافیایی، برنامه‌ریزی مدیریتی در نحوه چینش و آرایش نیروهای پلیس برای اجرای طرح‌های مهار و سرعت در جاع‌زدن‌ترین واحدهای گشتی ۱۱۰ و اعزام سریع به محل از دیگر اهداف این سامانه است. وی در پاسخ به این پرسش که در صورت عدم رضایت مردم از نحوه برخورد کارکنان کلابتری‌ها و پاسگاه‌ها به چه راه‌ی می‌توان مراجعه کرد، گفت: در این صورت مردم می‌توانند به مرکز نظارت همگانی بازرسی کل ناچا برای تسهیل مطالبات و رسیدگی به نوظلمت‌ها شماره تلفن ۱۹۷ مراجعه و به صورت شایانه روزی شکایت، انتقاد و پیشنهاد خود را مطرح کنند.

**افزایش غلظت ذرات معلق در هوای تهران**



مدیر واحد مدل‌سازی و پیش‌بینی شرکت کنترل کیفیت هوای تهران با اشاره به اینکه هوای تهران در شرایط ناسالم برای گروه‌های حساس است، گفت: امروز (۱۸ دی) هم به دلیل افزایش غلظت آلاینده‌ها، جمله ذرات معلق، هوای پایتخت برای گروه‌های حساس ناسالم خواهد بود. حسین شهبازی در گفت‌وگو با ایسنا افزود: به‌تدریج همراه با تغییر وضعیت جوی در بعدازظهر، برخی ساعات خواهد بود. همچنین دما روند کاهش خواهد داشت و در برخی ساعات به دمای صفر درجه سانتیگراد می‌رسد. به گزارش ایسنا، در هوای ناسالم برای گروه‌های حساس که به رنگ نارنجی نشانده‌گذاری می‌شود، مقدار (AQI) بین ۱۰۱ تا ۱۵۰ قرار می‌گیرد و در نتیجه آن گروه‌های حساس اثرپذیری بیشتری از آلودگی خواهند داشت.



تنه‌امدیریت و نظارت بر این مرکز بر عهده سازمان بهزیستی قرار گرفته‌است. مدیر کل بهزیستی استان تهران با بیان اینکه با توجه به آمار معتادان متجاهر در استان تهران، ظرفیت گذشته به اندازه کافی نبوده و نیازمند ایجاد ظرفیت‌های جدید بودیم تصریح کرد: در شورایی تحت عنوان شورای هماهنگی ستاد مبارزه مواد مخدر با ریاست استاندار، بهزیستی و نیروی انتظامی به عنوان نهاد‌های مسئول در این حوزه در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. با این وجود

بر اساس پروتکل‌های این سازمان اجباری هستند. وی با اشاره به تلاش‌های شبانه‌روزی نیروی انتظامی در جهت ایجاد امنیت، آسایش و رفاه برای همه مردم و شهروندان گفت: تلاش‌های نیروی انتظامی بر کسی پوشیده نیست و آسایش، امنیت عزت و اقتدار مأمورین نیروی انتظامی کشور است. وی با بیان اینکه ساماندهی معتادان کار مشترک بر اساس طرح تقسیم کار ملی صورت می‌گیرد افزود: با تدبیر حکیمانه مقام معظم رهبری و دولت تقسیم کار ملی صورت گرفته تا همه نهاد‌های مسئول در کنار هم باشند و چالش معتادان متجاهر را برطرف کنند.

بیات‌نژاد با تأکید بر اینکه از نیمه دوم سال گذشته مدیریت اجرایی و نظارت بر مرکز موضوع ماده ۱۶ به بهزیستی واگذار شده است اظهار کرد: این تقسیم‌کار به معنای آن نیست که دیگر دستگاه‌ها از مسئولیت‌شان شانه‌خالی کنند، بلکه

مدیر کل بهزیستی استان تهران در مورد صدور مجوز مرکز ساماندهی معتادان متجاهر «سروش» گفت: طی بازدید تیمی اخیر ایرادهای سازمان بهزیستی بر طرف نشده بودند و بهزیستی آمادگی دارد بلافاصله بعد از برطرف شدن ایرادات مذکور مجوز مرکز را صادر کند.

داریوش بیات‌نژاد در گفت‌وگو با ایسنا، با تأکید بر اینکه بر اساس مصوبات، نظارت و ارائه مجوز به مرکز ساماندهی معتادان متجاهر بر اساس دستورالعمل‌ها و پروتکل‌های موجود در سازمان بهزیستی صورت می‌گیرد اظهار کرد: بهزیستی در تمام این مسیر به دنبال حفظ کرامت و سلامت معتادان است و مطلقاً نظارت شخصی و دیدگاه‌های فردی در این حوزه وارد نمی‌شود. بهزیستی قصد ندارد تا فرایند این کار را به عقب اندازد و یا چوب‌لای چرخ برخی از دستگاه‌ها قرار دهد.

**خبر**

بهزیستی چوب‌لای چرخ «کهریزک» نمی‌گذارد

**ایرادات رافع کنید**